بررسی شاخصه‌های دولت حقوقی در روزنامه قانون

سمیرا جوانمرد،مرتضی منشادی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

[s.javanmard66@yahoo.com](mailto:s.javanmard66@yahoo.com)

استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

[manshadi@um.ac.ir](mailto:manshadi@um.ac.ir)

چکیده

میرزا ملکم خان یکی از تأثیرگذارترین روشنفکران دوره [قاجار](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%B1) بود. در میان آثار وی نشریه قانون از ویژگی برجسته‌تری برخوردار بود. وی در این روزنامه نظام سیاسی ایران را استبدادی می‌دانست و به نقد حکومت قاجار می‌پرداخت. بنابراین مطالب نشریه قانون پیرامون سه موضوع اصلی است: انتقاد از حکومت مطلقه، لزوم اصلاح حکمرانی و ایجاد عدالت قانونی، تعلیمات حزبی و دعوت مردم به ایجاد اتفاق و قانون‌طلبی. این خواسته‌ها نشان از فضای استبداد و عدم حاکمیت قانون داشت. لذا دغدغه اصلی این روزنامه ایجاد چهارچوب‌های قانونی به منظور محدود کردن قدرت خودکامه حکام و پایان دادن به استبداد حکومت ایران بود. بنابراین بررسی متن اصلی روزنامه حاکی از آن است که دولت موردنظر روزنامه قانون ویژگی‌هایی دارد که همان دولت حقوقی است، لذا در این پژوهش سعی بر این است که شاخصه‌های دولت حقوقی را با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی در روزنامه قانون بررسی نماییم.

**واژه‌هاي کلیدی:** میرزاملکم‌خان، روزنامه قانون، قانون، دولت حقوقی، تفکیک‌قوا.

بیان مسأله

ایران در سیر تحول جدید فکری و اجتماعی خود تا نهضت مشروطیت چند جهش تاریخی داشته است. این جهش‌ها به ترتیب عبارتنداز: آغاز اصلاحات یا دوره عباس‌میرزا، اصلاحات گسترده‌تر و همه‌جانبه یا عصر میرزاتقی‌خانی، در تلاش ترقی یا برزخ تاریخی؛ تحرک، تجدد و ترقی یا عصر سپهسالار، تکوین ایدئولوژی جنبش ملی مشروطیت(آدمیت، 1351: 13).

بنابراین آغازگر اصلاحات، عباس‌میرزا بود، اما نحوه درک او از ترقی و پیشرفت کشورهای خارجی(روس و انگلیس) و عقب‌افتادگی ایران از قافله پیشرفت، بیشتر نتیجه شکست‌های پی‌درپی ایران در جنگ با روس‌ها بود. بنابراین در صحنه عملی بود که عباس میرزا به این آگاهی دست یافت. بعد از او امیر کبیر، اصلاحگر دیگری بود که فهم او از شرایط اجتماعی - سیاسی زمان خودبیشتر مرهون مطالعه کتب اروپایی و سفر به کشورهای همسایه بود. اصلاحات اووسعت و دامنه وسیع‌تری داشت. بعدها سپهسالار اصلاحات امیرکبیر را به صورت گسترده‌ ادامه داد. بنابراین ایده نوسازی به عنوان ایدئولوژی اجتماعی نو در نیمه دوم سده نوزدهم در ایران نمایان گردید.

با ظهور اولین نسل روشنفکران مشروطه، شاهد گسترش تجدد واندیشه‌های نوسازانه خصوصاً در حوزه سیاسی و همچنین مطرح شدن استبداد حکومتی به عنوان عامل اصلی عقب‌ماندگی‌ها هستیم. این نسل از روشنفکران با توجه به وجود استبداد و خودکامگی همیشگی حکومت‌ها در طول تاریخ ایران، خواستار حکومت قانونی و محدود کردن قدرت دولت توسط قانون یا به عبارتی همان حکومت مشروطه بودند. در این میان میرزا ملکم‌خان یکی از روشنفکران سرشناس عصر خود بود که با نشریه قانون خود نقش بسیار مهم و برجسته‌ای در شکل‌گیری نهضت مشروطه ایران داشت. وی تلاش می‌کرد تا یک پایه فکری و ایدئولوژیک به منظور ایجاد تغییرات و اصلاحات در کشور ایجاد کند. ملکم‌خان دستگاه پادشاهی آن روز را یکی از بزرگ‌ترین سدهای راه ایجاد قانون در کشور می‌دانست. از نظر ملکم، پذیرفتن پایه‌های حکومت قانونی یکی از ضروریات حکومت کردن است؛ در نتیجه از نظر او بسیاری از معضلات ایران ناشی از بی‌قانونی بود و با حاکمیت قانون است که می‌توان براستبداد لگام زد و برای مردم آرامش نسبی و احساس امنیت را به ارمغان آورد. خواسته اصلی روزنامه ملکم‌خان نیز همان است که در عنوان آن پیداست؛ یعنی قانون و منظور ملکم‌خان از قانون و قانون‌خواهی نیز همان مشروطه است(شکوری، 1385: 172). در پی این تأکیدهای مکرر بر قانون است که روزنامه قانون و شخص ملکم، ایجاد نوعی دولت حقوقی را طراحی می‌کند، لذا می‌توان گفت اصلی‌ترین پایه دولت حقوقی مورد نظر روزنامه قانون، قانون‌خواهی است. سؤالی اصلی که در این جا مطرح می‌شود این است که ویژگی‌های دولت حقوقی در روزنامه قانون چیست؟

سؤال فرعی: آیا می‌توان نسبتی میان شرایط سیاسی‌ ـ اجتماعی دوران ظهور قانون و مطالبات روزنامه قانون برقرار کرد؟

فرضیه‌ای که در این جا مطرح می‌شود این است که روزنامه قانون با توجه به فضای استبداد سیاسی، نوسازی سیاسی را در چهارچوب دولت حقوقی مطرح کرده است.

روش تحقیق: روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، روش تحلیل محتوای کمی و کیفی است.

ملکم‌خان و روزنامه قانون

میرزا ملکم‌خان فرزند میرزا یعقوب در سال 1249 ﻫ.ق در جلفای اصفهان به دنیا آمد. در ده سالگی به منظور تحصیل به اروپا رفت؛ دوران کودکی و نوجوانی خود را در فرانسه گذراند و پس از گذرانیدن تحصیلات ابتدایی و متوسطه و آشنایی با مکتب آگوست کنت، به ایران برگشت و به مترجمی در وزارت خارجه منصوب شد. در سال 1275 اولین فراموش‌خانه را با هدف ترویج اندیشه‌های اصلاحی خود و استقرار حکومت قانون بنیاد نهاد)مریجی،1386: 49). فراموش‌خانه نام مجمع آدمیت داشت، اما از آنجایی که ناصرالدین شاه نسبت به مجمع، احساس خطر کرد، دستور تعطیل م انحلال آن را داد و ملکم از ایران تبعید شد. با آغاز صدرات مشیرالدوله، ملکم به تهران فراخوانده شد و به دستور شاه مشاور مخصوص صدراعظم شد و لقب ناظم‌الملک گرفت. مدتی بعد به عنوان وزیر مختار ایران عازم لندن شد. وی بعد از واگذاری امتیاز لاتاری مجددأ از منصب خود عزل شد. از سال 1306تا1316 ﻫ.ق ملکم در لندن به انتشار روزنامه قانون پرداخت. نخستین شماره روزنامه قانون در اول ماه رجب 1307 ﻫ.ق منتشر شد(کسرایی، 1379: 278و280).بنابراین روزنامه قانون که پس از بهم خوردن مناسبات و روابط حسنه ملکم خان با ناصرالدین شاه و دربار قاجار در لندن منتشر شد، به عنوان منبع بااهمیتی در مخالفت با دولت و انتشار افکار جدید، مورد توجه مخالفان و روشنفکران ایران قرار گرفت. این روزنامه در مدت چهار سال، جمعاً 41 شماره منتشر شد (زاهد، 1386: 31). میرزا ملکم خان در طول حیات خویش آثار مکتوبی از خود برجای گذاشت.

در این جا باید اشاره کرد که اگر چه قانون اولین روزنامه فارسی زبان محسوب نمی‌شد، اما روزنامه‌های قبلی(کاغذ اخبار، وقایع‌التفاقیه، روزنامه دولت علیه ایران)، علیرغم اینکه توسط دولت ایران منتشر می‌شدند، تعطیل شدند و تنها روزنامه دولت ایران منتشر می‌گردید. در چنین شرایط استبداد زده‌ای بود که روزنامه‌هایی چون اختر و شمس (در استانبول)، حبل‌المتین (در کلکته) و قانون (در لندن) توسط روشنفکران ایرانی در خارج از ایران منتشر شدند. روزنامه قانون در این میان پرخواننده‌تر بود.

دولت حقوقی

دولت نهادی است که وظیفه‏ اداره‏ کشور را بر عهده دارد و از فرمانروایان یا حاکمان در مقابل حکومت‌شوندگانتشکیل شده است. دولت افزون براینکه دارای دو رکن مادی سرزمین‏ و جمعیت است،دارای سه ویژگی با عنصر حقوقی شخصیتحقوقی،حاکمیت و محدودیت بوسیله‏ی‏ حقوق نیز است (عباسی، 1386: 92).

منظور از دولت حقوقی، دولتی (در مفهوم عام) است که در چهارچوب حقوق محصور ‌باشد و هدف آن نیز تضمین و حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندان باشد(ویژه، 1390: 99). تجربه دولت‌های مطلقه اروپایی در قرن شانزده و هفده در زمینه ایجاد چهارچوب حقوقی، از جمله عوامل مهم و مؤثر در شکل‌گیری مفهوم دولت حقوقی، به عنوان مفهومی نوین در دو دهه اخیر است. درواقع دولت حقوقی پدیده‌ای برخاسته از فرهنگ حقوقی غرب است و از این فرهنگ به حقوق بین‌الملل وارد شده است. دولت حقوقی یکی از انعطاف‌پذیرترین مفاهیم است که تقریباً با هر زمینه حقوقی و فرهنگی و اجتماعی امکان سازگاری دارد. بنابراین در دولت‌های حقوقی، هدف و علت وجودی دولت تحقق حقوق است و دولت توسط حقوق مشروعیت می‌یابد و چهارچوب آن نیز توسط حقوق تعیین می‌شود(ویژه، 1389: 168). در کشورهای اسلامی ریشه‌های مفهوم دولت حقوقی را در قانون تنظیمات امپراطوری عثمانی و مهمتر از آن در قانون اساسی مشروطه ایران سال 1285 می‌توان یافت. بنابراین لازمه تشکیل دولت حقوقی وجود قانون و محدودیت حقوقی در کشور است. همچنین در دولت حقوقی، حقوق برتر از قدرت سیاسی است و در واقع این حقوق است که چهارچوب اعمال دولت را تعیین می‌کند. افزایش حقوق شهروندی، کاهش دخالت‌های دولت در زندگی خصوصی افراد، عدم تمرکز در حکومت و چندگانگی سیاسی و فرهنگی از جمله مزایای پذیرش حکومت قانون است(ویژه، 1358: 41و42). در زیر به برخی از شاخصه‌های دولت حقوقی اشاره خواهیم کرد:

1-مفهوم شخصیت حقوقی دولت: همان‌گونه که افراد یک جامعه دارای حقوق و تکالیفی هستند، دولت نیز به عنوان یک شخص جمعی دارای حقوق، تکالیف، قدرت اراده و صلاحیت انجام کار، بستن قرارداد و تملک اموال و ... است که اصطلاحاً به آن شخصیت حقوقی گفته می‌شود. همچنین دولت به عنوان یک شخص جمعی تابع قواعد حقوق عمومی است که از قواعد حاکم بر اشخاص خصوصی متمایز است (عباسی، 1386: 92).

3-محدودیت به وسیله حقوق: اگر چه حقوق‌دانان با ابداع مفهوم حاکمیت، حوزه اختیارات و آزادی عمل دولت را وسعت بخشیدند و آن را به عنوان یگانه قدرت برتر در جامعه معرفی نمودند، اما این امر هیچ‌گاه به معنای اعمال آزادانه و بلاشرط دولت در امر مملکت‌داری نبود. لذا نباید مفهوم حاکمیت مورد نظر حقوق‌دانان را با مفهوم مطلق‌گرایی در هم آمیخت. درواقع دولت علاوه بر این که حاکم‏ است، همچنین باید توسط حقوق و به ویژه حقوق اساسیمحدود گردد.هنگامی‏که این محدودیت‏ اعمال نشود،با دولت مستبد و زورگو روبروخواهیم بود. در صورتی که وجود محدودیت حقوقی و حاکمیت قانون سبب شکل‌گیری دولت قانون‌مدار خواهد شد(عباسی، 1386: 100).

4-اصل تفکیک قوا: امروزه نظریه کلاسیک تفکیک قوا رنگ کهنگی به خود گرفته و در چهارچوب دولت حقوقی اشکال نوینی از تفکیک قوا ارائه شده است. بنابراین تفکیک قوا دیگر صبغه‌ای نهادی ندارد تا قوه مجریه را از قوای مقننه یا قضاییه جداکند، بلکه جنبه‌ای کارکردی به خود گرفته است. برای مثال کارکرد اجرایی از کارکرد قضایی تفکیک شده است. بنابراین ارگانی در قوه مجریه می‌تواند کارکرد قانون‌گذاری یا قضایی داشته باشد بدون انکه در قوای مربوط قرار گرفته باشد. به همین صورت کارکرد سیاسی در درون هر قوه نیز به تفکیک نوینی منجر شده است. تفکیک احزاب سیاسی از حزب سیاسی حاکم و تفکیک اکثریت و اقلیت پارلمانی در درون قوه مقننه، اشکال نوینی از این تفکیک قوای کارکردی از منظر سیاسی هستند(ویژه، 1389: 178).

5-اصل استقلال قضایی: استقلال قضایی نتیجه منطقی نظریه تفکیک قواست. در واقع اصل استقلال قضایی و وجود مراجع قضایی عادل و بی‌طرف در یک جامعه ضامن اجرای قانون و حقوق در کشور است. چنانچه استقلال قوه قضائیه زیر سؤال رود و یا اینکه این قوه به صورت مجری و تحت اختیار قوای دیگر (مقننه و مجریه) قرار گیرد، دیگر نمی‌توان انتظار اجرای عادلانه قوانین و رعایت حدود و مقررات را در جامعه داشت. قوانین عام توسط قانون‌گذار وضع می‌شود و فراتر ازقوای مجریه و قضاییهبه عنوان مجری آن‌ها قرار می‌گیرد. لذا اعمال نظارت بر اجرای صحیح اصول و قوانین یکی ازمبانی مهم دولت حقوقی است که جز توسط قضات امکان‌پذیر نیست. در نتیجه همین نیاز به اعمال نظارت در دولت حقوقی است که اصل استقلال مراجع قضایی توجیه می‌گردد(ویژه، 1389:179).

6-اصل برابری در مقابل قانون: برابری در مقابل قانون دارای اشکال گوناگون حقوقی، سیاسی و اجتماعی است. این مفهومبیشتر در روابط میان جامعه‌مدنی و حوزه خصوصی شهروندان و حکومت تجلی می‌یابد. بنابراین برابری در مقابل قانون، نخستین و مهمترین نوع برابری در حقوق عمومی است که پایه و ارکان دیگر برابری‌ها را در جامعه فراهم می‌آورد. حکومت مدرن راهبر جامعه‌ای برابر است(برابری سیاسی) واعضای این جامعه نیز به گونه‌ای برابر مطیع قدرت عمومی هستند (برابری مدنی)(ویژه، 1389: 182).

7-مشروعیت قانونی – عقلایی: برخلاف دولت‌های پیشامدرن که بر پایه مشروعیت الهی، سنتی ومذهبی قرار داشتند، دردولت‌های حقوقی، قانون و حقوق عرفی و موضوعه، پایه مشروعیت بخش این نوع از دولت‌ها است. بنابراین حقوق برخاسته اراده ملت است که به اقتدار دولت مشروعیت می‌بخشد.

در بالا به عنوان نمونه به برخی از برجسته‌ترین ویژگی‌های دولت حقوقی اشاره نمودیم. لذا در مرحله بعدی این ویژگی‌ها را به صورت مفصل و با شرح زیرمجموعه‌ها در روزنامه قانون بررسی خواهیم نمود.

تعریف عملیاتی متغیرها

1ـ قانون‌: قانون از جمله متغیرهایی است که نقش محوری در ساختار دولت حقوقی دارد و درواقع به منظور تأمین نیازهای مدنی شهروندان حول محورهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... تهیه و تدوین می‌شود. لذا هر نوع حکومتی به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی جامعه نیازمند قانون است، اما دولت حقوقی در این میان از جمله مهمترین نوع دولت‌هاست که علت وجودی خویش را از ذات قانون کسب می‌کند. بنابراین قانون از جمله کلیدواژه‌های حکومت حقوقی است که به منظور عملیاتی شدن در تحقیق حاضر به سه مقوله وضع، اجرا و نظارت تقسیم می‌شود. به منظور دقتبیشتر وضع قانون نیز به چهار مؤلفه زیر پرداخته می‌شود: قانون‌خواهی، ایجاد مجلس ملی، محدودیت به وسیله حقوق، برابری در مقابل قانون.

1ـ1 قانون‌خواهی: در قرن نوزدهم در جامعه ایران شاهد ظهور روشنفکران و اصلاح‌طلبانی بودیم که هدفی جز استقرار قانون در کشور نداشتند. در واقع هدف نخستین این گروه تحصیل‌کردگان و روشنفکران که عمدتاً نیز از میان دستگاه سلطنتی و درباری برخاسته بودند، استقرار قانون و نظام حقوقی مدون در جامعه بود. این گروه از طریق کشورهایی مانند روس، انگلیس و فرانسه در معرض آشنایی با پیشرفت‌های اروپا در زمینه‌های نظامی، سیاسی، امنیتی و رفاهی و ... قرار گرفته بودند. بنابراین اشراف و مقامات دولتی قاجار، پیشرفت کشورهای غربی را در ذات قانون و عقب افتادگی ایران را ناشی از عدم وجود قانون در کشور می‌دانستند. از نظر آنان این قانون بود که موجب ایمنی و استواری مالکیت خصوصی، تقویت امنیت شغلی و مسئولیت‏پذیری مشاغل رسمی، و کاسته شدن از خطر تعرّض خودکامانه به جان و تن مردم می‌شد(کاتوزیان و طیب، 1379: 70 و 71).

در بحث قانون‌خواهی ملاک شمارش صرفاً خود کلمه قانون به صورت کلی است. بنابراین منظور از این قانون، قوانینی است که باید از سوی مردم و نمایندگان آن‌ها وضع شود. قوانینی که معیار حقانیت آن شرع و اصولی دینی اسلام باشد. البته منظور از شمارش کلمه قانون این نیست که در هر کجای متن به این لفظ برخوردیم آن را در محاسباتمان لحاظ داریم، بلکهبیشتر مبنا بر این است که به محتوای عبارت توجه شود. به منظور توضیحبیشتر باید گفت که در هر کجای متن که کلمه قانون تکرار نشده و عبارت حالت توصیفی دارد، مثلأ یک وضعیت بی‌قانونی را توصیف می‌کند،‌این عبارت را نیز به منزله قانون‌خواهی در نظر گرفته و در محاسباتمان منظور می‌داریم.

یک مثال: در جمله زیر "بعد از این باید تکلیف دولت‌خواهی و وظیفه انسانیت ما این باشد که سعی نماییم بفهمیم چه باید کرد که قوانین خوب در ایران مجرا بشود"‌(ملکم‌خان، 1307، نمره یک: 2). اگرچه لفظ قانون تکرار شده، اما تأکید اصلی این جمله بر اجرای قوانین است. اما دراین جمله " موافق اخبار طهران این روزها در آستانه همایون به جز تمجید قانون و تأکید بر لزوم قانون حرف دیگر نبوده است" (ملکم‌خان، 1307:3)، دو مرتبه لفظ قانون تکرار شده که ما هر دو را مدنظر قرار دادیم، چرا که در واقع به نوعی تأکید بر اهمیت و وجود قانون است.

2ـ1 ایجاد مجلس شورای ملی: منظور ایجاد مجلسی است متشکل از نمایندگان مردم که در واقع به عنوان یک وزنه قدرت در مقابل دستگاه سلطنتی عمل می‌کند و سیاست‌های خودسرانه دربار و شخص شاه را تعدیل می‌نماید.

3ـ1 محدودیت به وسیله حقوق: قانون و مجلس به عنوانبزرگ‌ترین محدودیت در مقابل سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های دستگاه سلطنتی و دربار عمل می‌کند. بنابراین منظور همان محدودیت قدرت وزرا وکارگزاران حکومتی و جلوگیری از قدرت بی‌رویه و خودسرانه دستگاه درباری و شخص شاه است.

4ـ1 برابری در مقابل قانون: یعنی اینکه بایستی تمامی افراد جامعه بدون توجه به منزلت و موقعیت سیاسی – اجتماعی آن‌ها در مقابل قانون برابر باشند. نباید بین یک شخص کارگر و یک وزیر یا تاجر در اجرای قانون تبعیض قائل شد.

2ـ اجرا: این مورد از موارد روشنی است که نیاز به توضیحبیشتری ندارد در مورد اجرا نیز به اجرای صحیح قوانین در جامعه و رعایت حدود مقرر شده در قانون توجه می‌شود.

3ـ نظارت: در مبحث نظارت نیز به مراقبت از قانون و نظارت بر اجرای صحیح آن توجه می‌شود.

2ـ شخصیت حقوقی: " گروهی از افراد انسان یا منفعتی از منافع عمومی که قوانین متداول آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده باشد "(محمد جعفری لنگرودی، 1362: 133). البته در این مورد باید توجه داشت که شخصیت حقوقی را در قالب دولت مطرح می‌کنیم و شخص شاه را نه به عنوان زیرمجموعه، بلکه به عنوان یک وزنه قدرت و یک جایگزین در مقابل مفهوم دولت قرار می‌دهیم.

1-2 کارگزار(شاه): در این جا از شاه نه به عنوان یک شخص حقوقی، بلکه به عنوان یک شخص حقیقی مطرح می‌کنیم. بنابراین شاه نیز همانند تمام اشخاص حقیقی دیگر دارای حقوق و تکالیفی است.

2-2 ساختار(دولت): منظور از ساختار، دستگاه سیاسی حکومتی با تمام ارگان‌ها و نهادهایش است؛ یعنی در متن مورد بررسی ساختار سیاسی(دولت) را در مقابل شخص شاه قرار می‌دهیم. به عبارتی از میزان فراوانی مفهوم دولت و شاه می‌خواهیم پی به این موضوع ببریم که متن روزنامه بر روی کدام عامل تأکید بیشتری دارد. به بیان دیگر برای اداره جامعه توسط دولت و دستگاه سیاسی و حقوقی اهمیت بیشتری قائل است؛ یا اینکه به همان ساختار سنتی حکومت که شاه تعیین کننده و در رأس کشور است و تمام امور تحت نظر شخص شاه اداره می‌گردد، توجه می‌کند.

3- حفظ ارزش‌های ملی: ارزش‌های ملی هر جامعه‌ای بر حسب نوع فرهنگ و مذهب(ساختار سیاسی - اجتماعی) آن جامعه شکل می‌گیرید. ارزش‌هایی که در روزنامه قانون مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: حفظ وحدت ملی، حفظ اعتبار امضای دولتی، حفظ شعایر دینی، حفظ میراث پیشینیان، حفظ زبان فارسی.

1-3 حفظ وحدت ملی: یکی از مهمترین ارزش‌های ملی که در واقع پایه و اصل در رسیدن یک کشور به رشد و ترقی محسوب می‌شود، حفظ وحدت ملی است. در این متون خصوصاً در روزنامه قانون در بسیاری از مواقع از لفظ اتفاق به جای وحدت مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین مجددأ یاددآوری می‌شود که درهنگامشمارش تکرار صرف کلمه اتفاق مدنظر نیست، بلکه منظور ما تأکید براهمیت ایجاد و حفظ وحدت ملی است.

2ـ3 حفظ اعتبار امضای دولتی: از جمله ارزش‌های ملی مهم در هر کشوری، حفظاعتبار امضایی است که از جانب کارگزاران دولتی صورت می‌گیرید. در واقع اهداف و سیاست‌های یک دولت بدون اعتبار امضا و دست‌خط آن قابلیت تحقق را نخواهد داشت. یک مثال در این زمینه: "معاملات دول و شرایط تجارت و قدرت‌های جنگ و آبادی‌های صلح در این عهد همه بسته به نسیه‌کاری؛ یعنی به اعتبار امضاست" (همان، نمره سوم: 1).

3ـ3 حفظ شعایر و اصول دینی: در این دوره اسلام به عنوان دینی اخروی و دنیوی مورد تأکید قرار می‌گیرد. بنابراین به مواردی که به حفظ اصول دینی و عمل بر طبق شرع اشاره دارد می‌پردازیم. مثلاً به این مثال توجه کنید: "در هر نقطه روی زمین هر علم و هر ترقی که بروز بکند بدانید که از پرتو آفتاب اسلام است" (ملکم‌خان، 1307ق، نمره سیزدهم: 3). در این جمله اسلام به عنوان دینی که به ترقی و پیشرفت بشر توجه لازم داشته مورد تأکید قرار می‌گیرد پس شایسته است که از این دین و اصول آن نهایت مراقبت به عمل آید. همچنین مثال بعدی نیز گویای این مطلب است "هیچ صیغه قسمی نیست که در الله‌اکبر جمع نباشد... صدای الله‌اکبر اعظم منذرین عالم است" (همان، نمره بیست و هفتم: 2).

4ـ3 حفظ میراث پیشینیان: از جمله میراث پیشینیان می‌توان به حفظ زبان و تاریخ کشورمان، احیای آداب و رسوم وسنن قدیمی ایران مانند برگزاری عید نوروز، گرامیداشت یاد بزرگان و شاهان نیک رفتاری مانند کوروش و... اشاره کرد. بنابراین میراث پیشینیان از جمله موارد هویت‌بخش افراد در هر جامعه‌ای است.

5ـ3 زبان فارسی: زبان فارسی زبان یک قوم یا یک ملت نیست، بلکه میراث مشترک اندیشه‌ورزی بخش وسیعی از ملل مشرق زمین در طی هزاره‌هاست و تاریخ ملت‌هاست؛ بخش مهمی از تلاش بشریت در رسیدن به انسانیت و انسان شدن است. اوج معرفتی است که گوته و نیچه و انگلس و پوشکین در برابر آن زانو می‌زنند و به ستایش اش می‌نشینند؛ تا بدانجا که آنرا لایق و مستحق انتخاب به عنوان زبان مشترک مردم جهان می‌دانند (نامه انگلس به مارکس). بنابراین حفظ زبان فارسی به عنوان یکی از مهمترین ارزش‌ها و هویت‌های ملی ایرانیان محسوب می‌شود. در این متون نیز به مواردی که به حفظ زبان فارسی از حمله زبان بیگانه اشاره می‌کند و در واقع آن را به عنوان یک ارزش و هویت ایرانی معرفی می‌کند می‌پردازیم.

4ـ مشروعیت: مفهوم مشروعیت را می‌توان به گونه‌ای تجربی و از طریق سنجش اعتماد مردم به نهاد‌های موجود، ایمان به رهبران و میزان حمایت از رژیم‌ها مورد بررسی قرار داد. لذا مشروعیت یک نظام سیاسی در گرو باور و تصور افراد آن جامعه به نهادهای موجود به عنوان نهادهایی مفروض، مناسب و از نظر اخلاقی موجه است. اتکا به نظر شهروندان در باب مشروعیت در تعریف "سیمور مارتین لیپست" نیز آورده شده است. وی می‌گوید: "مشروعیت، توانایی هر نظام در ایجاد و حفظ این باور است که نهادهای سیاسی موجود، برای جامعه مناسب‌ترین است" (لیپست، 1383: 1250). بنابراین مشروعیت در معنای ناب و خالص، اعتقاد حکومت‌شوندگان به حقانیت حکومت‌کنندگان است. مشروعیت حکومت‌ها نیز بر مبنای دریافت‌ و درک‌ متفاوت حکومت شوندگان و مبانی مختلف مقبولیت حکومت نزد آنان، جلوه‌های متفاوتی خواهد یافت. چنانکه برای درک بعضی از انواع مشروعیت تنها باید به روش‌های درون فهمی‌متوسل شد و مدتی را در میان پیروان یک حاکم زندگی کرد تا علت اطاعت را فهمید (حجاریان، 1373: 81 و 82). در این پژوهش مشروعیت را به سه دسته قانونی، مذهبی و سنتی تقسیم می‌کنیم.

1-4 مشروعیت قانونی: در مشروعیت قانونی، بحث قانون و انتخابات مبنای حقانیت قرار می‌گیرد. یعنی در مواردی که دستگاه حکومتی بر مبنای قانون و اصول قانونی ـ عقلیعمل می‌کند، مشروعیت حکومت قانونی محسوب می‌شود.

2-4 مشروعیت مذهبی: در بحث مشروعیت مذهبی تجویز دینی سیاست ملاک قرار می‌گیرد. این بدین معنی است که تا چه اندازه سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و خود دستگاه حکومتی مورد تأیید دین و اصول دینی است. به منظور تدقیق شمارش این مقوله را به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

الف) ارتباط قانون با شریعت: در هر موردی که قانون مورد تأیید شریعت بوده و در واقع نوعی ارتباط و التزام میان این دو مقوله برقرار بوده مد نظر ماست. به عبارت دیگر ذات قانون از شریعت و دین الهام می‌گیرد.

ب) دخالت و نفوذ روحانیون(جایگاه روحانیون): در این مورد نیز به وجهه اجتماعی و میزان نفوذ و قدرت روحانیون در میان طبقات اجتماعی جامعه، همچنین نفوذ آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی توجه می‌شود.

3-4 مشروعیت سنتی: نوع سوم مشروعیت، مشروعیت سنتی است. این نوع مشروعیت مبتنی بر تقدس سنن کهن و حقانیت کسانی است که بنا بر سنت مأمور اقتدار هستند. بنابراین یکی از معیارهای ما سنجش میزان باور عموم به جایگاه موروثی شخص پادشاه و نظام حکمرانی وی است.

5ـامنیت: تعریف فرهنگ لغات از امنیت، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند(سجادی، میرعرب، 1379: 133). در این بخش، ما امنیت را به دو شعبه داخلی و خارجی تقسیم می‌کنیم:

1-5 امنیت داخلی: در مبحث امنیت داخلی که می‌تواند حوزه بسیار وسیعی را دربرگیرد، به مواردی که به حفاظت جان و اموال مردم از دخالت‌های دستگاه حکومتی و کارگزاران آن و حتی در امان بودن خود کارگزاران حکومتی از تصمیم‌های شخصی و خودسرانه دستگاه حکومتی و شاه مربوط است می‌پردازیم. از دیگر موارد مهم در امنیت داخلی، امنیت راه‌هاست. با توجه به وجود دزدان و راهزنان در جاده‌ها و مسیرهای بین‌شهری و ایجاد هرج‌ و مرج، همچنین عدم توان قوای نظامی حکومتی در تأمین امنیت راه‌ها، ‌این امر یکی از مهمترین خواسته‌ها و دغدغه‌های روشنفکران و مردم بشمار می‌رفت.

2-5 امنیت خارجی: در بحث امنیت خارجی نیز منظور همان تأمین امنیت مرزها و حفاظت خطوط مرزی کشور از تجاوز قوای بیگانه است.

6ـآزادی: یکی از مسائل و مباحث کاربردی در نظام‌های سیاسی و اجتماعی که زمینه‌ساز رشد، بالندگی، پیشرفت و شادابی جوامع است، آزادی است. در این جا آزادی در دو بعد فردی و اجتماعی مطرح می‌شود و مجددأ هر کدام از آن‌ها به زیر مجموعه‌هایی ‌تقسیم می‌شوند:

1-6 آزادی فردی: آزادی فردی در ارتباط با خودش است؛ یعنی همان ساحت و حریم خصوصی. امّا در این میان تعریفی که جان لاک از آزادی ارائه می‏دهد روشن و شفاف است و دلالت بر مبنای اصالت فرد در تفکر لیبرال دارد. وی می‏گوید: «تا آن جا که انسان قدرت فکر کردن یا فکر نکردن، حرکت کردن یا حرکت نکردن، براساس ترجیح یا هدایت ذهن خود را داراست، تا آن حد انسان آزاد است»(محمودی، 1377: 71). در این جا به دو زیر مقوله از آزادی فردی اشاره می‌کنیم:

الف) آزادی بیان: آزادی بیان غالباً به عنوان یکی از ارکان آزادی فردی تلقی می‌شود که در آن شأن و منزلت اخلاقی هر فرد مورد تأکید قرار می‌گیرد. حق اندیشیدن، داشتن عقیده و بیان آن، حق طبیعی تمامی انسان‌ها و بخش جدایی‌ناپذیر شرافت انسانی است(میادورنات: 116). ابراز آزادانه عقاید و اندیشه‌ها، ضامن سلامت جامعه و در زمینه مسائل سیاسی پایه اصلی هر نوع حکومت مردم‌سالاری است. لذا خلاقیت، نقد و نوآوری، خصوصأ در حوزه علوم انسانی بدون آزادی بیان معنا نخواهد داشت. آزادی بیان خود شامل سه زیر مجموعه است:

1- آزادی کلام: در عصر قاجار و مشروطیت از آزادی بیان با نام آزادی کلام یاد شده است که در واقع همان معانی آزادی بیان را می‌رساند. در صورت وجود آزادی کلام در جامعه بسیاری از اعمال دولتی از سوی مردم و نمایندگان آن‌ها تحت کنترل قرار می‌گیرد. در نتیجه جلوی بسیاری از اعمال خودسرانه دستگاه حکومتی گرفته می‌شود. این آزادی امروزه معیاری برای هر نوع جامعه چندصدایی و دموکراتیک است و نقض این آزادی همواره به نابودی سایر موازین حقوق بشر منجر می‌شود.

2- آزادی قلم: آزادی قلم و بیان از لوازم جدایی‌ناپذیر آزادی فکرو عقیده است. در واقع عرضه افکار مستلزم داشتن قلم و بیانی آزاد است تا هر آنچه را که به صلاح جامعه است بگوید و بنویسد. لذا آزادی فکر و عقیده تنها زمانی معنا خواهد داشت که افکار بر قلم و زبان جاری گردد. هر کسی قادر است از طریق نوشتن، افکار و عقاید خویش را در تاریخ ثبت و برای آیندگان به یادگار بگذارد. بنابراین آزادی قلم رکن مهم آزادی افکار و همچنین عامل بقای قدرت سالم در حکومت است. هرگز یک حکومت سالم به جنگ اهل قلم نمی‌رود، زیرا همین که قلم‌ها شکسته شد و زبان مردان حق‌گو و حق‌شناس در دست حامیان خنیاگری قرار گرفت، به جای غلبه فضیلت و شرف، رذیلت و پستی رشد می‌کند و حق خرید و فروش می‌شود(اسدالله، 1384: 1).

3- آزادی مطبوعات: آزادی مطبوعات، موضوعی اساساً اخلاقی، سیاسی و حقی مدنی است. آزادی مطبوعات همان‌گونه که به مطبوعات و رسانه‌هایی نیرومند و حرفه‌ای نیاز دارد؛ جهت حق کسب آگاهی نیز مستلزم جریان آزادانه اطلاعات و عقاید در سطح ملی و بین‌المللی است. همچنین باید گفت که هرچه آزادی مطبوعات در کشورها بیشتر باشد، کنترل فساد آسان‌تر است. آزادی مطبوعات زیربنای حقوق بشر و ضامن سایر آزادی‌ها، حامی شفافیت و زمامداری عادلانه و ضامن جامعه‌ای برخوردار از قوانین منصفانه و عادلانه است(میادورنات: 117تا119).

ب) حق تملک: حق تملک به معنی در اختیار داشتن دارایی(عموماً زمین) و محفوظ بودن آن از تعرض دولت و یا اشخاص دیگر است.

2-6 آزادی اجتماعی: آزادی تعاملات و مناسبات افراد و گروه‌های انسانی در درون و ارتباط با نظم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اخلاقی است(همایون مصباح، 1388: 179). در واقع انسان باید در اجتماع از ناحیه سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشد؛ دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند؛ اورا محبوس نکنند؛ استثمار نکنند و ... . در بحث آزادی اجتماعی نیز به دو مقوله زیر می‌پردازیم:

1- آزادی از قید حکومت خودکامه: جنبش مشروطیت عمدتأ مبارزه‏ای برای استقرار خود قانون بود در حالی که جنبش‌های لیبرالی اروپای نو در پی دگرگون ساختن قانون به منظور گسترش حقوق و آزادی‏های محرومان و همزمان، محدودسازی نقش دولت در جامعه بودند(کاتوزیان، طیب، 1379: 70). اصلاح ‌طلبان و مشروطه‌خواهان با تأکید بر اهمیت قانون، خواهان دستیابی به نوعی از آزادی بودند که در اروپا به اشکال مختلف و از دوران کلاسیک وجود داشت. این آزادی، آزادی از قید حکومت خودکامه بود که هر چند از نظر شکلی مفهومی سلبی از آزادی بود، ولی از آن جایی که متضمن حق برخورداری از زندگی امن بود، گوهری مثبت یا ایجابی داشت. علت این تأکید آن بود که آنان تنها از طریق قانون به مثابه آزادی- به معنی حق بهره‏مندی از زندگی امن و قابل پیش‏بینی- بود که می‏توانستند پیگیر دیگر آزادی‏هایی شوند که خواهانش بودند. این تأکید نه به معنی برچیدن محدودیت‏های قانونی موجود که خواست لیبرالیسم کلاسیک اروپا بود؛ بلکه به معنی ایجاد چارچوبی قانونی بود که از طریق آن قانونگذاری به نفع آزادی‌های فردی امکان‏پذیر می‏شد(همان: 74).

2- آزادی اجتماعات: در روزگاری که افکار عمومی فعال و ابرازشونده، بسیار تاثیرگذار و محور توجه‌های سیاسی باشد، تجمع نیز مؤثرترین، بالفعلترین و زودبازده‏ترین نوع ابراز عقیده خواهد بود (خلخالی، 1383: 54). آزادی اجتماعات و تشکیل حزب و هر تشکیلات صنفی-سیاسی دیگر از دیدگاه نظم‏ عمومی اهمیت بیشتری دارد، چرا که مرحله نهایی شکل‏گیری بحرانهای سیاسی و امنیتی به‏ صورت اجتماعات به ظهور می‏رسد و سوءاستفاده از تجمع، خطری به مراتب قریب‏الوقوع‏تر از سوءاستفاده از هر نوع آزادی دیگر است (خلخالی، 1383: 52). بنابراین حکومت‌ها در زمینه اعطای چنین آزادی‌هایی به شهروندانشان حساسیت‌های بیشتری نشان می‌دهند.

**6ـ تفکیک‌قوا**: جان لاک و مونتسکیو، از طرفداران اندیشه تفکیک قوا، معتقد بودند که تفکیک‌قوا عامل اصلی جلوگیری از استبداد و برقراری توازن میان عناصر و قوای حکومت است. در واقع بدون تفکیک‌قوا نمی‌توان هیچ‌گونه آزادی برای جامعه متصور شد. مونتسکیو مطرح می‌کند که در دو صورت آزادی از بین خواهد رفت:

الف) ادغام قوه مقننه و مجریه در یک قوه: در صورتی که قوه مقننه و قوه مجریه در هم ادغام گردد، تمام اختیارات و قدرت در یک شخص واحد یا یک هیئت زمامدار متمرکز خواهد شد. در این حالت احتمال سوء‌استفاده از قدرت بسیار بالا خواهد بود.

ب) عدم استقلال قوه قضائیه: در صورتی که قوه قضائیه از قوه مقننه و مجریه مجزا نباشد؛ به عبارت دیگر از استقلال برخوردار نباشد و تحت سیطره دو قوه دیگر قرار گیرد؛ در این مورد نیز دیگر آزادی وجود نخواهد داشت. چرا که اختیار نسبت به زندگی و آزادی افراد خودسرانه خواهد بود. وقتی قاضی خود مقنن بود و خودش هم اجراگر، اقدامات او جابرانه خواهد بود (رستمی، 1373: 44). در بحث تفکیک‌قوا منظور، استقلال هر یک از قوا از دو قوه دیگر است که هر کدام را به صورت یک مورد در نظر گرفته‌ایم. استقلال قوه قضاییه از دو قوه، استقلال مجریه از مقننه، استقلال مقننه از مجریه، استقلال هر یک از قوا از دو قوه دیگر: در این جا هرچند که این مورد تکرار موارد دیگر است، اما در بعضی موارد در این متون این مورد به صورت کلی بیان شده است؛ لذا آن را به صورت مجزا ذکر کردیم. فقدان تفکیک قوا: در این متون در موارد بسیاری به فقدان تفکیک قوا در کشور اشاره شده است در نتیجه این مورد را نیز به صورت جداگانه ذکر کردیم.

جدول شماره 1- تفسیر کمی داده‌های روزنامه قانون

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | زیرمقوله‌های قانون | جمع کل | درصد |
| 1 | قانون‌خواهی | 625 | 77.74 |
| 2 | اجرا | 63 | 7.84 |
| 3 | محدودیت توسط حقوق | 39 | 4.85 |
| 4 | مجلس ملی | 32 | 3.98 |
| 5 | مجلس درباراعظم | 28 | 3.48 |
| 6 | نظارت | 10 | 1.24 |
| 7 | مجلس هیئت وزرا | 7 | 0.87 |
| 8 | برابری در مقابل قانون | 0 | 0.00 |
|  | مجموع | 804 | 100 |

همانطور که در جدول شماره 1 مشاهده می‌کنید مقوله‌ها و زیرشاخصه‌های قانون به چند دسته تقسیم شده است. خود شاخص قانون به سه دسته وضع، اجرا و نظارت تقسیم می‌شود. زیرشاخصه وضع قانون نیز خود به چهار دسته منقسم می‌شود: قانون‌خواهی، ایجاد مجلس، محدودیت توسط حقوق و برابری در مقابل قانون. همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌کنید مقوله قانون‌خواهی در کل روزنامه قانون 625 بار تکرار شده است و در واقع ازبیشترین میزان تکرار برخوردار است. میزان درصد تکرار قانون‌خواهی نیز 77.74درصد است. بعد از مفهوم قانون‌خواهی مقوله اجرا با میزان تکرار 63 ازبیشترین میزان تکرار برخوردار است. این امر نشان‌دهنده این است که بعد از مقوله قانون‌خواهی،‌ اجرای قانون بیش از موارد دیگر از اهمیت برخوردار است. مقوله ایجاد مجلس نیز به سه زیرمقوله : مجلس دربار اعظم، مجلس هیئت‌وزرا و مجلس ملی تقسیم می‌شود. بعد از اجرای قانون میزان تکرار دیگر مقوله‌های قانون به ترتیب ذیل است.

محدودیت توسط حقوق 39 (4.85)، مجلس ملی 32(3.98)، مجلس دربار اعظم 28(3.48)، نظارت 10 (1.24)، مجلس هیئت‌وزرا 7 (0.87)، برابری در مقابل قانون نیز 0 (0.00) است. مجموع کل تکرار زیرمقوله‌های قانون نیز 804 است. در واقع باید گفت که در کل روزنامه قانون از میان مفاهیم و شاخصه‌های بررسی شده مقوله قانون ازبیشترین میزان توجه و اهمیت برخوردار است. این در حالی است که روزنامه قانون در هیچ جای این روزنامه به مقوله برابری در مقابل قانون نپرداخته است. شاید یک دلیل عمده این امر همان نبود ساختار قانونی و حقوقی در جامعه باشد. نمودار زیر نیز نمایان‌گر میزان تکرار هر کدام از شاخص‌ها و مقوله‌ها است.

جدول شماره 2

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | شخصیت حقوقی | جمع کل | درصد |
| 1 | دولت | 520 | 73.34 |
| 2 | شاه | 189 | 26.66 |
|  | مجموع | 709 | 100 |

مفهوم شخصیت حقوقی به دو دسته شاه و دولت تقسیم شده است. کلمه دولت در کل روزنامه قانون 520 مرتبه و کلمه شاه نیز 189 مرتبه تکرار شده است. یعنی 73.34 درصد شاخص دولت و 26.66 درصد نیز شاخص شاه است. جمع کل تکرار این شاخص نیز 709 است. همانطور که آمار ارقام نشان می‌دهد مفهوم دولت که اشاره به یک نظام و ساختار سیاسی دارد بیش از مفهوم شاه که نمایانگر کارگزار سیاسی است مورد توجه بوده است. بنابراین روزنامه قانون بعد از مقوله قانون به شاخص شخصیت حقوقی پرداخته است که نشان از اهمیت موضوع دارد. نمودار زیر میزان تکرار هرکدام از دو مقوله این شاخص را نشان می‌دهد.

جدول شماره 3

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | عناصر ملی | جمع کل | درصد |
| 1 | حفظ وحدت ملی | 246 | 79.87 |
| 2 | حفظ اعتبار امضای دولتی | 38 | 12.34 |
| 3 | حفظ شعایر دینی | 24 | 7.79 |
| 4 | حفظ میراث پیشینیان | 0 | 0.00 |
| 5 | حفظ زبان فارسی | 0 | 0.00 |
|  | مجموع | 308 | 100 |

بعد از شاخص حمران، شاخص عناصر ملی با میزان تکرار 308 مرتبه قرار دارد که به پنج دسته تقسیم می‌شود. در این میان مقوله وحدت ملی با 246 بار تکرار ازبیشترین میزان فراوانی برخوردار است. در واقع باید مطرح کرد که از میان عناصر ملی دغدغه اصلی روزنامه حفظ وحدت ملی بوده است. بعد از مقوله وحدت، حفظ اعتبار امضای دولتی با 38 بار تکرار و سپس حفظ شعایر دینی با 24 بار تکرار به ترتیب ازبیشترین میزان فراوانی برخوردار هستند. حفظ میراث پیشینیان و زبان فارسی نیز از موارد دیگری است که در این روزنامه به آن پرداخته نشده است.

جدول شماره 4

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | مشروعیت | جمع کل | درصد |
| 1 | دخالت و نفوذ روحانیون | 159 | 57.19 |
| 2 | ارتباط قانون با شریعت | 112 | 40.29 |
| 3 | مشروعیت قانونی | 5 | 1.80 |
| 4 | مشروعیت سنتی | 2 | 0.72 |
|  | مجموع | 278 | 100 |

شاخص مشروعیت به سه دسته مشروعیت مذهبی، قانونی و سنتی تقسیم می‌شود. مشروعیت مذهبی به دو دسته دخالت و نفوذ روحانیون و ارتباط شریعت با قانون تقسیم می‌شود. زیر مقوله دخالت و نفوذ روحانیون با 159 مرتبه تکرار ازبیشترین میزان فراوانی برخوردار است. ارتباط قانون با شریعت با 112 مرتبه تکرار در مرحله بعدی قرار دارد. بنابراین در میان سه نوع مشروعیت روزنامه قانون بیش از همه به مشروعیت مذهبی پرداخته است. که نشان دهنده پررنگ بودن عامل مذهب در فضای سیاسی اجتماعی جامعه و نقش مهم روحانیون به عنوان یک عامل مشروعیت بخش حکومت است. مشروعیت قانونی 5 (1.80) و مشروعیت سنتی 2(0.72) در مراتب بعدی قرار می‌گیرد. مجموع کل تکرار شاخص مشروعیت نیز 278 است. نمودار زیر بیانگر این ارقام است.

جدول شماره 5

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | امنیت | جمع کل | درصد |
| 1 | امنیت جانی و مالی | 130 | 77.84 |
| 2 | امنیت | 32 | 19.16 |
| 3 | امنیت راه‌ها | 4 | 2.40 |
| 4 | امنیت مرزها | 1 | 0.60 |
|  | مجموع | 167 | 100 |

شاخص امنیت به دو دسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تقسیم می‌شود. امنیت داخلی نیز به دو زیرمقوله زیر بخش می‌شود: امنیت جانی و مالی130(77.84) و امنیت راه‌ها 4 (2.40). امنیت خارجی نیز در قالب امنیت مرزها 1 (0.60) مطرح می‌شود. در بسیاری از موارد این روزنامه نیز خود کلمه امنیت به صورت کلی و بدون اشاره به نوع آن مطرح شده است به همین خاطر آن را به صورت جداگانه و به عنوان یکی از زیرشاخصه‌های امنیت در این جا مطرح کردیم. میزان تکرار شاخص امنیت به صورت کلی نیز 32 (19.16)است. در میان مقوله‌های امنیت، امنیت جانی و مالی ازبیشترین میزان تکرار برخوردار است که این امر حاکی از نبود قانون و ساختار حقوقی برای حمایت از حقوق مردم بود. مجموع کل تکرار شاخص امنیت 167 است.

**جدول شماره 6**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | آزادی | جمع کل | درصد |
| 1 | آزادی کلام | 21 | 36.84 |
| 2 | آزادی اجتماعات | 20 | 35.09 |
| 3 | آزادی قلم | 8 | 14.04 |
| 4 | آزادی از قید حکومت خودکامه | 3 | 5.26 |
| 5 | آزادی مطبوعات | 3 | 5.26 |
| 6 | حق تملک | 2 | 3.51 |
|  | مجموع | 57 | 100 |

شاخص آزادی به دو دسته کلی آزادی فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. آزادی فردی خود به دو دسته آزادی بیان و حق تملک 2 (3.51) بخش می‌شود. مجددأ خود آزادی بیان به سه دسته آزادی کلام 21 (36.84)، آزادی قلم 8 (14.04) و آزادی مطبوعات 3 (5.26) تقسیم می‌شود. و اما آزادی اجتماعی نیز شامل دو زیر مقوله آزادی از قید حکومت خودکامه 3 (5.26) و آزادی اجتماعات 20 (35.09) است.

در میان مقوله‌های آزادی مفهوم آزادی کلام و آزادی اجتماعات ازبیشترین میزان تکرار برخوردار است. مجموع کل تکرار شاخص آزادی نیز 57 است.

**جدول شماره 7**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | تفکیک قوا | جمع کل | درصد |
| 1 | استقلال هر یک از قوا از دو قوه دیگر | 13 | 40.63 |
| 2 | استقلال قوه قضائیه | 10 | 31.25 |
| 3 | استقلال قوه مقننه | 5 | 15.63 |
| 4 | استقلال قوه مجریه | 4 | 12.50 |
|  | مجموع | 32 | 100 |

شاخص تفکیک‌قوا نیز به چهار دسته تقسیم می‌شود. میزان تکرار و درصد مقوله استقلال قوه قضائیه 10(31.25)، استقلال قوه مجریه 4(12.50)، استقلال قوه مقننه 5(15.63) و استقلال هر یک از قوا از دو قوه دیگر 13(‌40.63) است. مقوله استقلال هر یک از قوا از دو قوه دیگر ازبیشترین میزان تکرار برخوردار است. مجموع کل تکرار شاخص تفکیک‌قوا در روزنامه قانون 32 است.

تفسیر کیفی داده‌های روزنامه قانون

قانون

همانطور که در جداول بالا مشاهده کردید، زیرمقوله‌های مربوط به قانون در روزنامه قانون 804 مرتبه است. در این جا باید مطرح کرد که شاخص قانون در کل روزنامه قانون ازبیشترین میزان تکرار برخوردار است.

ابتدا به شرایط سیاسی اجتماعی دوران ظهور این روزنامه نگاهی می‌اندازیم. روزنامه قانون محصول دورانی است که در جامعه یک حکومت استبدادی و خودکامه (پادشاهی ناصرالدین‌شاه) حاکم بود و جو استبدادی حاکم اجازه هیچ گونه اصلاحاتی خارج از دستگاه حکومتی را نمی‌داد. لذا بسیاری از مصلحان و روشنفکرانی که در این دوران ظهور کردند از میان نخبگان حکومتی بودند. ازجمله این افراد میرزا ملکم‌خان بود. بنابراین دغدغه اصلی وی نیز همانند دیگر روشنفکران دورانش استبداد و خودکامگی حکومت بود، لذا تمام توان خویش را در راه اصلاح دستگاه سیاسی حکومت به کار برد. یکی از مهمترین اقدامات وی در این زمینه انتشار روزنامه قانون بود. در این جا باید گفت که نظام سیاسی قاجاریه در طول دهه‌ها نظامی استبدادی بوده که در آن تمام اختیارات و مسئولیت‌ها متوجه شخص شاه بود و تمام تصمیمات به میل و اراده شخصی وی انجام می‌شد. درواقع هیچ نوع ساختار قانونی که بتواند قدرت شاه را محدود کند و یا اینکه حقوقی برای مردم در مقابل دستگاه حکومتی قائل شود وجود نداشت. بنابراین در چنین فضای سیاسی اجتماعی طبیعی بود که اصلاح‌طلبان و مشروطه‌خواهان سده نوزدهم ایران نیز برای استقرار خود قانون مبارزه کنند. لذا یکی از مفاهیم کلیدی در آرا و اندیشه‌های ملکم‌خان مفهوم قانون بود. در زیر به برخی از موارد ذکر شده در روزنامه قانون اشاره می‌کنیم:

وی در اولین شماره روزنامه قانون می‌نویسد: «هیچ کس در ایران مالک هیچ چیز نیست، زیرا که قانون نیست، حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون، سرتیپ معزول می‌کنیم بدون قانون، حقوق دولت را می‌فروشیم بدون قانون، بندگان خدا را حبس می‌کنیم بدون قانون، خزانه می‌بخشیم بدون قانون، شکم پاره می‌کنیم بدون قانون.»(روزنامه قانون، شماره یکم:1).

در واقع هیچ یک از همگنان ملکم به اندازه او راجع به قانون و حکومت مطلب ننوشته است. او هرگاه که فرصت و موقعیتی دست می‌داد، از قانون و حکومت قانون می‌گفت. به عنوان مثال وی در این زمینه می‌گوید «چه بگویم از باقی شرافت‌های سلطنت بی‌قانون؟ کدام وزیراعظم ایران است که از اعلی درجه کامرانی در آن واحد به قعر مذلت فرو نرفته باشد؟ کدام خانواده بی‌گناه است که از میان این بی‌قانونی غرق خاکستر سیاه نشده باشد؟... ببینید شاهزادگان ما به چه اضطرار از گرسنگی به خارج فرار می‌کنند؟ وقتی هیچ یهودی یک دینار به دولت ما اعتبار نمی‌کند، سفرای کبار ما با جلال تضرع مأمور می‌شوند که بروند به رهن استقلال دولت از کفر سلاطین قانون‌پرست، وجه گذران یومیه گدایی نمایند! کدام ننگ، کدام مسکنت، کدام افتضاح است که از ظلمت بی‌قانونی در داخل و خارج بر سر ما جمع نشده باشد»(ناظم‌الدوله، مجموعه آثار ملکم، ندای عدالت: 211).

بار دیگر می‌نویسد: " شخصی از اصفهان می‌نویسد دولت بی‌قانون کدام است؟ آن است که رعیت را به میل خود می‌چاپد. حقوق ملت را به هر اجنبی که می‌خواهد می‌فروشد. خزاین ملک را به هر رذالت که میل دارد تلف می‌کند. مواجب و طلبی نوکرها را بدون هیچ خجالت می‌خورد. تعهدات و امضای خود را مردانه‌وار منکر می‌شود و هر دقیقه که دلش بخواهد چشم‌های تو را می‌کند. عیال تو را به کوچه می‌ریزد. اموال تو را ضبط و شکم تو را پاره می‌کنند. چه بکنیم که اینطور نشود؟ آدم بشو و قانون بخواه " (قانون، نمره دهم: 3).

بنابراین از نظر ملکم بسیاری از معضلات ایران ناشی از بی‌قانونی است. با حکومت قانون است که می‌توان براستبداد لگام زد و برای مردم آرامش نسبی و احساس امنیت را به ارمغان آورد.

همچنین ملکم‌خان در روزنامه قانون به برخی از ساختارهای حکومت قانونی از جمله: ایجاد مجالس مختلف (مجلس دربار اعظم یا مقننه، مجلس هیئت وزرا یا مجریه و مجلس ملی) و در مراحل بعدی به اجرای قانون و نظارت بر اجرای صحیح قانون اشاره می‌کند.

" ... بدون وجود یک مجلس ملی که دایم مراقب اجرای قوانین باشد بهترین قوانین دنیا بی‌اثر و بی‌معنی خواهند بود... اگر پادشاه ما چنانکه مکرر می‌گویید واقعأ طالب نظم ایران است پس چرا این مجلس شورای ملی را یک روز زودتر فراهم نمی‌آورد " (قانون، نمره ششم: 2).

در روزنامه قانون به دیدگاه‌های مشابه با نویسندگان آن نشریه نیز اشاره شده است. به عنوان مثال گفت‌وگوی مشیرالدوله و صدراعظم چنین نقل شده است:

" مشیرالدوله: بلی اگر مجمع وزرا‌ را تنها و مختار بگذاریم همانطور می‌شود که می‌فرمایید، اما نباید فراموش کرد که موافق مذاکرات و شروح سابق در مقابل مجمع وزرا باید حکما یک دربار اعظم هم باشد. مجمع وزرا در امور اداره‌ کاملاً مستقل است. اما درآن ضمن اعضای دربار اعظم به حکم پادشاه مأمور هستند که تکالیف وزرا را موافق قوانین صریح معین نمایند و به مراقبت و حق اعتراضات خود نگذارند وزرا از وظایف خود به هیچ وجه تخلف بکنند. این دو مجلس توأم هستند. هیچ‌کدام به تنهایی معنی نخواهد داشت، اما وقتی هر دو در مقابل هم واقع شدند نتیجه عمل همان نظم و همان پیشرفت خواهد بود که در سایر ممالک مشاهده خواهیم نمود. ... صدراعظم: عرض صریح بنده این است که اگر رأی مبارک مقرر فرماید که مجمع وزرا و مجلس دربار اعظم را موافق قواعد علمی نظم بدهیم آن وقت می‌توانیم خدمات دولت را با اطمینان بر عهده بگیریم ‌"‌ (قانون، نمره چهلم: 3).

شخصیت حقوقی

در مورد این شاخص نیز روزنامه قانون بیش از مفهوم شاه به دولت پرداخته شده است. روزنامه قانون برای رسیدن به اهداف خود بیشتر به دنبال ایجاد یک چهارچوب نهادی و حقوقی و یک دستگاه منسجم قانونمند بود. قانون به دنبال شاه خودکامه نیست، بلکه برعکس به دنبال رویه‌ای است که بتواند قدرت بی‌حدو حصر شاه خودکامه را محدود کرده و از تصمیمات و اعمال خودسرانه شخصی وی جلوگیری کند.

" ... با نهایت وجد مشاهده می‌کنیم که این اوقات پادشاه ما مصرتر از هر حکیم و مجدتر از هر رعیت هواخواه و داوطلب قانون شده است. ... ولیکن باید این حقیقت بزرگ را هم خوب ملتفت بشوید که استقرار قانون فقط به اراده پادشاه میسر نخواهد بود" (قانون، نمره اول: 3).

" بی‌قانونی دولت و اغراض و عدم کفایت بزرگان وضع این دولت و بقای این سلطنت را موجب حیرت و اسباب ترحم دنیا ساخته است‌ " (قانون، نمره اول: 3).

" ما اهل ایران یقین صاحب غیرت هستیم و یقین اینقدر شعور داریم که بفهمیم آدم با غیرت باید از برای حفظشوکت دولت خود جان بدهد " (قانون، نمره دوم: 6).

شاخص عناصر ملی

در میان عناصر ملی روزنامه قانون بیش از همه بر حفظ وحدت ملی (246مرتبه) تأکید کرده است. درواقع منظور اصلی قانون از حفظ وحدت همان ایجاد اتحاد و اتفاق به منظور دست‌یابی به قانون و ساختار حقوقی بود. به چند نمونه در این زمینه اشاره می‌کنیم:

" ... و این نکته مثل آفتاب روشن است که از طرف خلق،‌ هیچ ملک، هیچ قدرتی ظهور نمی‌کند مگر به اتفاق. اتفاق اولین شرط زندگی ملل است. بدون اتفاق هیچ گروهی از ظلمت اسیری هرگز خلاصی نخواهد یافت. پس اگر حقیقتاً جویای نظام این ملک هستید قبل از هر خیال باید در تدبیر اتفاق این خلق باشید" (قانون، نمره نهم: 2).

" ... و مسأله را از هر طرف که ملاحظه نماییم خواهیم دید که تکلیف ما امروز منحصر به این است که به ترویج آدمیت مردم را متفق بکنیم و به قوت اتفاق، قانون بخواهیم " (قانون، نمره هشتم: 1).

" ... مقصود از اتفاق ما به هیچ وجه این نیست که در همه امور با هم متفق باشیم. چنان اتفاق محال است و ما لازم نداریم. مراد از اتفاق ما منحصر به این است که یک جهت و یک زبان بگوییم، ما آدم هستیم و قانون می‎‌خواهیم" (قانون، نمره هفتم: 2).

از دیگر عناصر ملی که در روزنامه قانون بیشتر به چشم می‌خورد حفظ اعتبار امضای دولتی (38مرتبه) است. به چند نمونه زیر از متن روزنامه توجه کنید:

"‌احمق‌ترین دولت روی زمین کدام است؟ آن است که اعتبار امضای خود را دردست وزرای جاهل بازیچه سفاهت و آلت رسوایی خود قرار بدهد"(روزنامه قانون، نمره هفتم: 3).

" نظام امور دنیا بسته است به رعایت آن قرارها که مردم به قول یا امضای خود بر عهده می‌گیرند. چه توقع از یک دولتی که رؤسای آن نه به حرف نه به وعده نه به تلگراف نه به قسم نه به دستخط خود به قدر الواط بازار اعتباری باقی نگذاشته‌اند"(همان: 4).

" ... چرا به امضای سایر دول کرورها پول می‌دهند و به امضای دولت ما یک غاز نمی‌دهند؟ به علت اینکه دولت ما هر روز بر امضا و بر قرارهای خود هزار تف می‌کند‌ " (قانون، نمره دهم: 3).

همانطور که در بالا مشاهده می‌کنید یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های روزنامه قانون حفظ اعتبار و حیثیت امضاء و دستخط دولتی بود. چرا که در بسیاری از موارد تصمیمات و فرامینی که به امضای شاه می‌رسید و باید وزرا و درباریان آن را اعمال می‌کردند؛ درواقع اعتنایی برای دستخط شاه قائل نمی‌شدند و والیان و درباریان بر مبنای مصلحت خود اقدام به انجام امور می‌نمودند. بنابراین طبیعی بود که امضای شاه در میان دول دیگر نیز ارزشی نداشته باشد.

شاخص مشروعیت

در روزنامه قانون شاخص مشروعیت خصوصاً مشروعیت مذهبی ازبیشترین میزان تکرار برخوردار است. در واقع تا دوران ظهور روزنامه قانون تنها عامل محدودکننده قدرت شاه عامل مذهب بود. چنانکه در برخی موارد روحانیون مخالفت خود را با تصمیمات شاه و درباریان در قالب اعتراضات مذهبی مطرح می‌کردند.

" باید دایره این مجلس را به قدر امکان وسعت داد. باید مجتهدین بزرگ و دانشمندان نامی و ملاهای قابل و اعیان هر ولایت حتی جوانان با علم از اعضای این شورای کبری باشند. ... باید بزرگان دین و دولت و عموم ارباب شعور به‌ اقتضای بیداری این عهد به اتفاق همدیگر دور این مجلس را بگیرند و به هر نوع تدبیر به خلق ایران حالی نمایند که احیای ایران بسته به اجرای قانون و اجرای قانون بسته به اعتبار و کفایت این مجلس است " (قانون، نمره دوم: 4).

" ... اصول این قانون به قدری مطابق اصول اسلام است که می‌توان گفت سایر دول قانون اعظم خود را از اصول اسلام اخذ کرده‌اند " (قانون، نمره پنجم: 2).

" سبب همه این مصایب ایران از عدم اجرای قوانین شربعت خداست و استخلاص این ملک ممکن نخواهد بود، مگر به اجرای احکام الهی. ... اکمل تدابیر و منبع جمیع فیوض هستی در خزانه شریعت اسلام است. ترقی بنی‌آدم در هر نقطه عالم که ظهور بکند لامحاله از پرتو معرفت اسلام است " (قانون، نمره نهم: 1).

" ... به حکم هر قانون شرعی و عقلی بر ذمه علمای دین واجب است که بلاتأخیر یک مجلس شورای کبرای ملی ترتیب بدهند و موافق اصول شرع مقدس حقوق ملت و شرایط بقای دولت را آنطوریکه باید مقرر و مستحکم بسازند "‌(‌قانون، ‌نمره بیستم: 2).

همانطور که در عبارت‌های بالا مشاهده می‌کنید در روزنامه قانون به مبحث مشروعیت مذهبی در قالب دخالت و نفوذ روحانیون و ارتباط شریعت و قانون اشاره شده است. بنابراین روزنامه قانون روحانیون را به عنوان یک عامل مؤثر در ایجاد ساختار قانونی در کشور و همچنان یک عامل مشروعیت‌بخش حکومت معرفی می‌کند. روزنامه قانون به منظور پیش‌برد اهداف خود (مقابله با حکومت خودکامه و استبدادی و برقراری یک دولت قانونمند در کشور)، پایه و اصل و اساس قانون را در شریعت اسلام می‌بیند. وی در این زمینه تا جایی پیش می‌رود که چنانکه در بالا مشاهده می‌کنید حتی اساس قوانین کشورهای غیر اسلامی را نیز در شریعت اسلام معرفی می‌کند و این چنین به خواسته‌های خود رنگ و جلباب مذهبی می‌بخشد.

**شاخص امنیت:** شاخص امنیت به چند دسته تقسیم می‌شود. از میان این تقسیمات در روزنامه قانون امنیت جانی و مالی (130مرتبه‌) از بیشترین میزان تکرار برخوردار است. در روزنامه قانون در بسیاری از موارد به نبود امنیت جانی و مالی اشاره شده است. از نگاه میرزا ملکم‌خان ریشه این ناامنی در عدم و جود قانون در کشور بود. به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

" هیچ امیر و هیچ شاهزاده‌ای نیست که از شرط زندگی خود بقدر غلامان سفرای خارجه اطمینان داشته باشد. حتی برادران و پسرهای پادشاه نمی‌دانند فردا صبح به عراق عرب منفی خواهند شد یا به ملک روس فرار خواهند کرد. ... در ملکی که هیچ کس مأذون نباشد لفظ قانون و اسم حقوق به زبان بیاورد، در ملکی که مال و جان و ناموس و تمام زندگی خلق موقوف به بوالهوسی رؤسا باشد، در ملکی که هر جاهل نانجیب بتواند بر مسند وزارت خود را مالک رقاب کل ملت قرار دهد در آن ملک همت ملوکانه و عدالت ظل‌الهی چه معنی خواهد داشت" (قانون، نمره اول: 2).

" ... ولایات همه ویران، رعیت همه فراری، لشکر آلت رذالت، مدارس همه خراب، سادات ما مردود، علماء همه ذلیل، قانون سلطنت منحصر به دلخواه جهال دنی، فروش مناصب هراج حقوق، همه در میدان فضاحت، نه اختیار مال نه اطمینان جان نه مجال حرف نه امکان حرکت "‌(قانون، نمره نهم: 1).

**شاخص آزادی:** شاخص آزادی به چند مقوله تقسیم می‌شود. در روزنامه قانون آزادی اجتماعات و آزادی کلام بیش از دیگر آزادی‌ها تکرار شده است. در واقع مجموع کل تکرار شاخص آزادی در روزنامه قانون 54 است. در این جا باید گفت که در شرایط سیاسی- اجتماعی دوران روزنامه قانون، فضای سیاسی کشور در یک شرایط اختناق و بسته به سر می‌برد. در واقع به دلیل حاکمیت فضای استبدادی و حکومت خودکامه زمینه ابراز آزادنه هر نوع اندیشه‌ای که مخالف حکومت بود، وجود نداشت. بنابراین در چنین شرایطی اندیشه ابراز آزادانه عقاید و بیان خواسته‌های مردمی به یکی از مهمترین دغدغه‌های روشنفکران و اصلاح‌طلبان تبدیل شد. به چند نمونه از شاخص آزادی اشاره می‌کنیم:

" هیچ یک از جنابان شما از برای هیچ حرفی که در این مجلس زده باشد ابداً نباید مورد مؤاخذه بشود مگر به حکم آن قواعد که شما خودتان معین و مقرر کرده باشید " (قانون، نمره هیجدهم: 3).

" ... در این مجاهدت خود هیچ زور مادی لازم نداریم. اقوا اسلحه دنیا در این عهد کلام آزاد است. در استعمال این اسلحه به خواست خدا وظایف مردانگی و شرایط ملت‌پرستی را به وجهی که در قوه بشر باشد به عمل خواهیم آورد" (قانون، نمره سی و هشتم: 4).

" ... چرا از امنیت حقوق ما نمی‌فرمایید. در یک پایتخت فرنگستان دو هزار و پانصد روزنامه آزاد هست. و اگر یک بنده خدا در ملک ما یک کلمه حرف حق بگوید باید به حکم عقل جهان‌آرای وزرای ما تا هفت پشت مغضوب دولت بماند‌" (قانون، نمره چهل و یکم: 2).

" ... مراد ما از فضل و هنر آن هنرهاست که بغیرت عمل و به قدرت قلم بتوان در خدمت ملت ظاهر ساخت. معنی قدرت قلم را هنوز اهل ایران درست ملتفت نشده‌اند، زیرا که درجه قدرت قلم بسته به درجه آزادی قلم است. در هر دولتی که مردم مأذون هستند افکار حسنه خود را به طرزهای حسنه بیان نمایند قلم فضلا بهترین مشعل ترقی است " (قانون، نمره دوم: 5).

" ما اهل ایران هیچ حق نداریم که از ذات مقدس شاهنشاهی سؤال نماییم که چرا اولیای این دولت فلان وزیر را کشتند. چرا فلان خانه‌ها را غارت کردند. چرا ملک ما ار این طور خراب می‌کنند. چرا ملت ما را به این شدت ذلیل اسارت ساخته‌اند " (قانون، نمره دهم: 2).

تفکیک قوا

شاخص تفکیک قوا نیز همانند زیرمقوله‌های شاخص قانون است. با توجه به توضیحات بالا باید گفت که روزنامه قانون همچنانکه به ساختار قانونی توجه فراوان داشته، لذا در برخی موارد نیز به تفکیک قوا به منظور ایجاد یک جامعه با ساختار حقوقی همانند غرب پرداخته است. در زیر به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

نویسندگان قانون تصریح می‌کردند: " ... در جمیع دول اولین تدبیر این بوده است که وزارت‌ها را چنان تقسیم وتحدید بکنند که هیچ وزیر نتواند به سایر وزارت‌ها دست‌اندازی و به تدریج جمیع قوای دولت را ضبط نماید. دول آسیا در این علم تقسیم وزارت‌ها عمومأ همه وقت عاجز بوده‌اند. تاریخ مشرق پر است از سلاطین نیک‌نفس که با وجود اقسام هنرهای خود در زیر پنجه یک وزیر خودرو آلت اغراض او و مخرب دولت خود بوده‌اند. چه باید کرد که پادشاه و دولت از مصائب چنان حادثه قبیح معاف بمانند. باید وزارت‌های دولت را از روی علوم این عهد موافق قانون تقسیم و تحدید کرد " (قانون، نمره هیجدهم: 1).

و در جای دیگر می‌نویسند: " شکی نیست که عنان اداره دولت را نمی‌توان به دست هشتاد نفر داد، اما مطلب بر جناب شما مشتبه است. این هشتاد نفر در عمل اداره اصلاً مداخله نخواهند داشت. اداره امور تمامأ در دست وزرای مسئول خواهد ماند. کار دربار اعظم منحصر خواهد بود به ترتیب قوانین و به مراقبت اجرای قوانین "‌(قانون، نمره سی و هفتم: 2).

همچنین: " دیوان‌خانه‌های عدلیه در جمیع ولایات به انتظام و استقلال کامل مستحفظ و ضامن اجرای این امنیت عامه خواهند بود "‌(‌قانون،‌نمره سی و چهارم: 2).

" دربار اعظم در امور اداره و در اجرای قوانین به هیچ وجه فعلأ و مستقیماً مداخله نخواهند کرد. دایره اقتدار دربار اعظم منحصر خواهد بود به وضع قوانین و مراقبت اجرای قوانین. اجرای قوانین بر عهده وزراست. وزرا ابداً به هیچ کار دولتی اقدام نخواهند کرد، مگر بحکم و بر طبق قانون "‌(قانون، نمره سی و پنجم: 2).

نتیجه‌گیری

در نیمه دوم سده نوزده در ایران شاهد گسترش اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه و تجددخواهانه، خصوصاً در حوزه سیاسی، در میان روشنفکران و نخبگان حکومتی می‌باشیم. در مورد سرگذشت و نوع حکومت‌ها در ایران باید گفت که در طول سالیان طولانی در ایران شاهد ظهور و سقوط حکومت‌های استبدادی و خودکامه بودیم. به عبارت دیگر در تمام طول سالیان گذشته شاهان و حکومت‌ها نوعی قدرت نامحدود داشتند و بدون هیچ محدودیت قانونی قادر به انجام هر امر حکومتی در کشور بودند. بنابراین با سقوط یک شاه مستبد نیز از آن‌جایی که هیچ بدیلی برای حکومت استبدادی و فردی وجود نداشت، فرد قدرت‌طلب دیگری بر مسند سلطنت و قدرت خودکامانه تکیه می‌زد. بنابراین تلاش به منظور برکناری یک شاه مستبد و جایگزین کردن آن با شاه دیگر هیچ حق و حقوقی برای مردم ایجاد نمی‌کرد، مردم همچنان رعیت شاه و حکومت شناخته می‌شدند و از هیچ حقوق و امنیتی برخوردار نبودند. در طی تداوم چنین شرایطی بود که بسیاری از روشنفکران حکومتی از جمله مهمترین آن‌ها میرزاملکم‌خان پی به وجود یک خلأ بزرگ در امر حکومت‌داری در کشور کرد و آن نبود یک قانون مدون جهت محدود کردن قدرت شاه و در واقع وسعت بخشیدن به قدرت مردم و پررنگ کردن حضور آن‌ها در امر حکومت و مملکت‌داری بود. بنابراین ملکم‌خان با حضور در کشورهای خارجی و مطالعه آثار نویسندگان خارجی و با آگاهی از نظام سیاسی و قانونی غرب در پی ایجاد یک حکومت قانونمند و محدود شده توسط قانون در کشور بود. وی در راستای این هدف اقدام به نشر روزنامه قانون در خارج از کشور (لندن) نمود که هدف آن تشکیل یک دولت حقوقی در کشور بود. با بررسی مطالب روزنامه قانون عمده‌ترین شاخصه‌های دولت حقوقی را به ترتیب تکرار و اهمیت مطرح کردیم که عبارت بودند از: قانون، شخیت حقوقی، عناصر ملی، مشروعیت، امنیت، آزادی و تفکیک‌قواست. همان‌گونه که آمار و ارقام نشان می‌دهد مطالبه قانون در کل روزنامه بیش از مطالبات و خواسته‌های دیگر مورد توجه بوده است. بنابراین بررسی تک به تک تمامی این شاخص‌ها با زیر مجموعه‌های آن‌ها حاکی از این بود که روزنامه قانون به دنبال ایجاد یک ساختار حقوقی و قانونمند و یک دولت حقوقی در کشور بود.

منابع

1- آدمیت، فریدون، اندیشه ترقی و حکومت قانون درعصر سپهسالار، تهران، خوارزمی، 1351.

2- جعفری لنگرودی، محمدجواد، مقدمه علم حقوق، نشر: گنج دانش، تهران، 1362.

3-حجاریان، سعید؛ نگاهی به مسأله مشروعیت، مجله راهبرد، ش 3، 1373.

4- خلخالی، فرید، " نظم عمومی و آزادی تجمع و تشکل"، مجله حقوق اساسی، شماره 3، 1383.

5- رستمی، محمدمهدی، " دموکراسی، تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه "، نشریه علوم انسانی، گزارش، شماره 43، 1373.

6- زاهد، فیاض، " درخشش روزنامه قانون در میان آثار و افکار ملکم‌خان‌"،‌نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، آیین، شماره 8، شهریور1386.

7- شکوری، ابوالفضل، " خواسته‌های روزنامه قانون "، مجله تاریخ، یاد، شماره 82، 1385.

8-عباسی، بیژن، " بررسی ویژگی‌های حقوقی دولت "، مجله پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی، شماره 5، تابستان 1386.

9- کسرایی، محمدسالار، چالش سنت و مدرنیته در ایران(از مشروطه تا 1320)، تهران، نشر مرکز،1379.

10-محمودی، سیدعلی. نظریه آزادی در فلسفه سیاسی‌هابزولاک. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،1377.

11- مریجی، شمس الله، " بازشناسی جریان‌های روشنفکری در ایران‌"، مجله علوم سیاسی، شماره 37، بهار1386.

12- مصباح، همایون، " گستره آزادی‌های فردی و اجتماعی"، مجله اندیشه، شماره 5 و 6، 1388.

13- میادورنارت، " آزادی بیان و آزادی مطبوعات، یک حق انسانی است "، مترجم: حدادیان مقدم، اسماعیل، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری، رسانه، شماره 45، 1380.

14- میرعرب، مهرداد، سجادی، سیدعبدالقیوم، " نیم نگاهی به مفهوم امنیت "، مجله علوم سیاسی، شماره9، 1379.

15- ناظم‌الدوله، میرزا‌ملکم‌خان: مجموعه آثار میرزا‌ملکم‌خان، (گردآورنده محیط طباطبائی)، تهران، دانش، 1327ش.

16- ناظم‌الدوله، میرزاملکم‌خان، روزنامه قانون، 1307 ه.ق، نمرات: 1، 2، 3، 5، 6، 7، 8، 9، 10، 13، 18، 20، 27، 34، 35، 37، 38، 40، 41.

17- ویژه، محمدرضا، " امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی "، نشریه علوم سیاسی، راهبرد، شماره 58، بهار1390.

18- ویژه، محمدرضا، " مفهوم تازه حاکمیت در حقوق عمومی "، نشریه اطلاعات سیاسی‌ ـ اقتصادی، شماره 231 و 232، آذر و دی 1358.

19- ویژه، محمدرضا، " نگرش تطبیقی بر مبانی و ساختار دولت حقوقی "، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، 1389.

20- الهامی، داوود، " اسلام و حقوق طبیعی انسا‌ن‌ها: آزادی قلم و بیان "، نشریه‌ فلسفه، کلام و عرفان، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره7، 1359.

21- همایون کاتوزیان، محمدعلی، طیب، علی‌رضا، " گونه‌های لیبرالیسم اروپایی و مفاهیم نو آزادی در ایران"، مجله اطلاعات سیاسی – اقتصادی، شماره155 و 156، 1379.